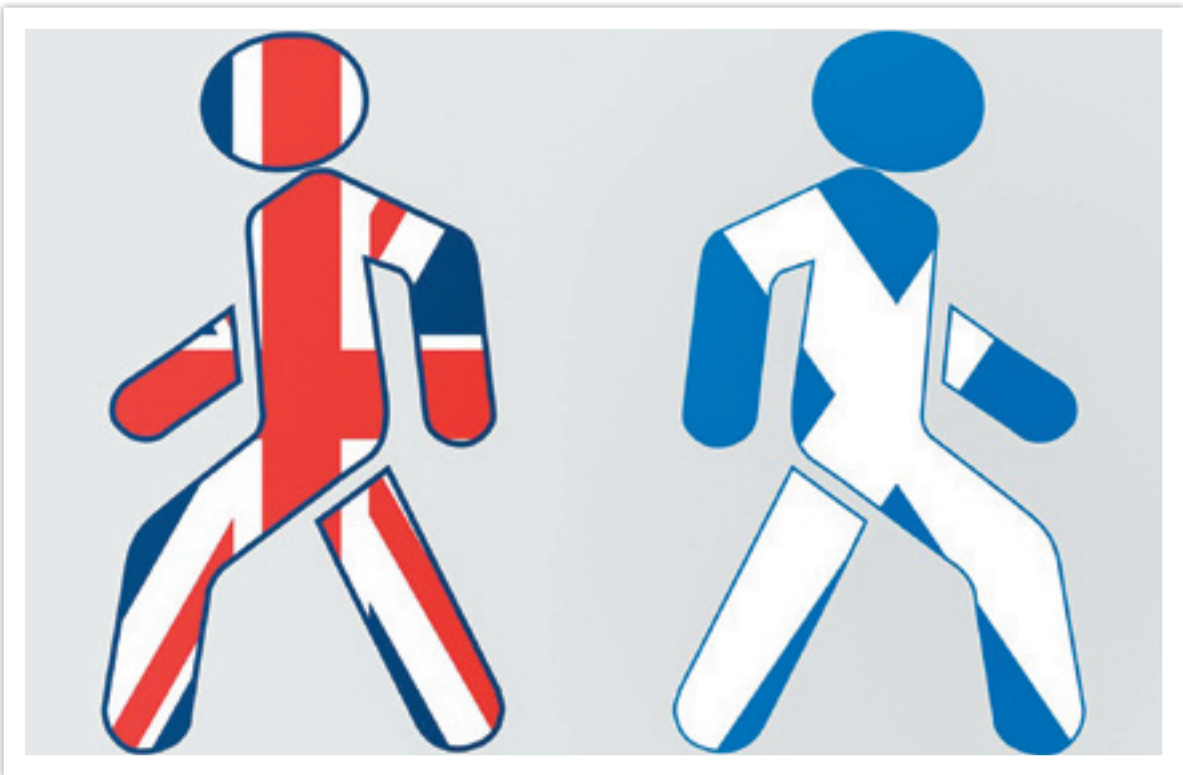




کمیسسیون اتحادیه اروپا از همه‌پرسی استقلال حمایت می‌کند

انتقام اروپا از برگزیت در اسکاتلند

■ **دکتر سیدر ضا میر طاهر**

موضوع استقلال اسکاتلندی‌ها مواجه‌شد، در پاسخ به نزدیک شدن اجرای فرایند جدایی بریتانیا با توجه از اتحادیه اروپا (برگزیت) بار دیگر در کانون توجه دولت این کشور و نهادهای سیاسی و امنیتی اروپا قرار گرفته است. نیکلا استورجن نخست‌وزیر اسکاوتلند به مقامات اسکاتلندی وزیراол اسکاتلند امیدوار است اواخر سال ۲۰۱۸ یا اوایل ۲۰۱۹، همه‌پرسی دیگری برای کسب استقلال بر گزار کند. در مقابل ترزا می نخست‌وزیر بریتانیا به مقامات اسکاتلندی درباره تلاش برای برگزاری همه‌پرسی دوم برای استقلال این منطقه هشدار داده است.

■ **دو رویکرد متفاوت**

مسئله بی‌سابقه‌ای که اکنون رخ نموده، رویکرد متفاوت دو نهاد مهم اروپایی و غربی یعنی اتحادیه اروپا و ناتو در قبال استقلال اسکاتلند و آینده روابط با آن به عنوان یک کشور جدید در صحنه اروپاست. در واقع در برهه کنونی شاهد حمایت ضمنی اتحادیه اروپا از استقلال اسکاتلند و در مقابل مخالفت دبیر کل ناتو با این مسئله هستیم. بدین ترتیب در چارچوب استقلال‌طلبی اسکاتلند با رویکرد آشکار متفاوت اتحادیه اروپا و ناتو در قبال وضعیت اسکاتلند پس از جدایی احتمالی از بریتانیا مواجه هستیم. کمیسیون اروپا روز دوشنبه ۲۳ اسفند اعلام کرد که اسکاتلند باید در صورت استقلال و تمایل به پیوستن به اتحادیه اروپا، باید کاندیدای خود را برای عضویت در نهاد اروپایی اعلام کند. این رویکرد با توجه به موضع خوزه مانوئل باروسو رئیس قبیلی کمیسسیون اروپا اتخاذ شده است. باروسو در فوریه ۲۰۱۴ در آستانه برگزاری همه‌پرسی نخست استقلال اسکاتلند اعلام کرده بود که کشور جدیدی که از دل یکی از اعضای اتحادیه اروپا بیرون آید، باید کاندیدای خود را برای عضویت در اتحادیه ارائه کند و دیگر اعضای اتحادیه نیز این کاندیدا را مورد بررسی قرار خواهند داد. با این حال بعداز تصویب خروج بریتانیا از اتحادیه

❧ **چالش**

ملک سلمان بن عبدالعزيز پادشاه عربستان که از حدود یک ماه پیش سفر خود به شرق و جنوب شرق آسیا را با هدف بهبود وضعیت اقتصادی کشورش آغاز کرده، شب چهارشنبه به وقت محلی با یک هزار و ۵۰۰ نفر از جمله ۲۵ شاهزاده و ۱۰ وزیر وارد پکن شد. این در حالی است که رژیم آل سعود با وجود صرف هزینه‌های گزاف نتوانسته است به اهداف از پیش تعیین شده دست یابد.

بر اساس گزارش‌های منتشره، در سفر «ملک سلمان بن عبدالعزيز» پادشاه عربستان به چین، ۳۵ سند همکاری به ارزش ۶۵ میلیارد دلار از جمله یادداشت تفاهم در بخش‌های تولیدی، انرژی، صنعتی، انتقال تکنولوژی و سرمایه‌گذاری به امضا رسیده است.

رژیم سعودی برای فرار از تنگناهای سیاسی و شکست‌های بی در پی خود در خاورمیانه، به دنبال اهداف سیاسی و اقتصادی خود درصداست تا توسعه مناسبات سیاسی و اقتصادی با چین، حضور خود را در قاره آسیا پررنگ‌تر کند.

آمارهای منتشر شده از سوی نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی حکایت از آن دارد که شهروندان عربستان در سال‌های اخیر شرایط بسیار دشواری را پشت سر گذاشته و سیاست‌های اقتصادی دولت برای کاهش دستمزدها و ریاضت اقتصادی، مشکلات زیادی را پیش‌روی مردم این کشور قرار داده و موجی از نگرانی را در میان مردمان این کشور به همراه داشته است. در حالی که صندوق بین‌المللی پول به عنوان یک نهاد معتبر و رسمی، پیش‌بینی کرده که کسری بودجه عربستان سعودی در سال ۲۰۱۷ به مرز ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور برسد، تلاش عربستان برای توسعه مناسبات اقتصادی با چین به عنوان یکی از قدرت‌های برتر جهان، نشان از فشار شدید اقتصادی ر روی رژیم سعودی و وجود

اروپا در جریان همه‌پرسی ۲۳ ژوئن ۲۰۱۶ که البته با رأی مخالف اسکاتلندی‌ها مواجه‌شد، در پاسخ به درخواست‌های مکرر نیکلا استورجن وزیر اول اسکاتلند، مقامات اروپایی روی خوشی به تقاضای پیوستن اسکاتلند به اتحادیه اروپا نشان ندادند. از جمله ماریانو راکوخی، نخست‌وزیر اسپانیا در این باره در ۲۹ ژوئن ۲۰۱۶ اظهار داشت که معتقد است همه با این مسئله مخالف هستند و باور دارند اگر بریتانیا از اتحادیه اروپا خارج شود، اسکاتلند هم به عنوان بخشی از آن باید همین کار را انجام دهد. فرانسوا اولاند، رئیس‌جمهور فرانسه نیز در همان هنگام تأکید کرد که اتحادیه اروپا با اسکاتلند هیچ توافقی انجام نمی‌دهد. همچنین دونالد توسک رئیس شورای اروپا نیز از ملاقات با استورجن برای بحث در این باره خودداری کرد اما اکنون کمیسسیون اروپا به عنوان رکن اجرایی این اتحادیه آشکارا موافقت خود را با درخواست پیوستن اسکاتلند به اتحادیه اروپا در صورت مستقل شدن آن از بریتانیا اعلام کرده است. شاید بتوان این موضع جدید را نوعی اقدام تلافی‌جویانه بروکسل در قبال اجرای برگزیت و جدایی بریتانیا از این اتحادیه تلقی کرد. بدین ترتیب کمسیون اروپا با اعلام این موضع باعث تقویت موضع هواداران جدایی اسکاتلند از بریتانیا و افزایش احتمال موفقیت آنها در همه‌پرسی دوم جدایی اسکاتلند از بریتانیا خواهد شد.

با توجه به خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، دولت لندن نمی‌تواند در فرایند عضویت اسکاتلند از اتحادیه اروپا پس از جدایی آن خللی وارد کند. اما در این میان موضع‌گیری ینس استولتنبرگ دبیر کل ناتو جای سؤال دارد. وی روز دوشنبه به اسکاتلندی‌ها هشدار داد در صورتی که بخواهند دولت بریتانیا را زیر فشار قرار دهند در آینده ناتو جایی ندارد. استولتنبرگ تصریح کرد که اسکاتلند مستقل به خودی خود عضو ناتو نخواهد بود و باید برای عضویت دوباره در ناتو در خواست بدهد و نتیجه در خواست هم به نظر اجماعی همه اعضای ناتو بستگی دارد. طبیعتاً با توجه

فرار ریاض از بحران به آسیای شرقی

تنگناهای متعدد اقتصادی است، به طوری که مقامات این رژیم برآن شده‌اند تا با افزایش مناسبات اقتصادی با کشورهای آسیایی، راه جبرانی برای فرار از فشارهای موجود و رهایی از بحران‌های خودساخته، بیابند. از سوی دیگر طرح جامع اصلاحات اقتصادی که از سوی محمد بن سلمان مطرح شده و قرار است تا سال ۲۰۳۰ میلادی اجرایی شود، نتوانسته است مرهمی بر مشکلات اقتصادی حال حاضر این کشور باشد، چه اینکه مفاد و روش اجرایی این طرح همچنان برای افکار عمومی این کشور در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. کاهش هزینه‌های دولتی و برداشتن یارانه کالاها و خدمات روزانه نظیر برق، آب و سوخت، کاهش پرداخت حقوق کارمندان (بر اساس برنامه کاهش



چهاراد

سرویس بین‌الملل ۸۸۴۹۸۴۴۴

باید شرایطی فراهم شود که اسکاتلند بتواند همچنان عضوی از اروپا باشد، در غیر این صورت پس از برگزاری همه‌پرسی و جدایی از بریتانیا به عنوان کشوری مستقل به عضویت اتحادیه درخواهد آمد. هشدارهای شدید و بی‌سابقه اخیر استورجن به دولت محافظه‌کار بریتانیا درباره برگزیت، نشان‌دهنده نگرانی عمیق مردم و دولت محلی این منطقه درباره تبعات برگزیت به ویژه جدا شدن بریتانیا از بازار مشترک اروپاست. در واقع دغدغه اسکاتلندی‌ها درباره تبعات برگزیت در بعد اقتصادی دارای دو جنبه است؛ نخست نگرانی تشدید اسکاتلندی‌ها از تبعات اجرایی برگزیت بر اقتصاد این منطقه شمالی بریتانیاست. به گفته استورجن، برگزیت با کاهش تولید ناخالص داخلی اسکاتلند سالانه بیش از ۱۱ میلیارد پوند به اقتصاد اسکاتلند خسارت وارد می‌کند. همچنین دولت اسکاتلند پیش‌بینی می‌کند با تحقق برگزیت، درآمد مالیاتی آن نیز سالانه بین ۱/۷ تا ۳/۷ میلیارد پوند کاهش یابد اما جنبه دیگر اجرای برگزیت به جدا شدن بریتانیا از بازار مشترک اروپا برمی‌گردد که با توجه به مرادوات گسترده اقتصادی اسکاتلند با کشورهای اتحادیه اروپا، در صورت عملی شدن این جدایی، ضربه به مراتب بزرگ‌تری به ساختار اقتصاد و تجارت اسکاتلند وارد خواهد شد.

■ **واقعیتی تلخ**

با جدی‌تر شدن اجرای برگزیت با توجه به اصرار اتحادیه اروپا برای خروج هر چه سریع‌تر بریتانیا از این نهاد اروپایی، اکنون مقامات دولت محلی اسکاتلند و مردم آن، خود را با واقعیتی تلخ مواجه می‌بینند که پیامدهای ناگواری برای آنها به‌دنبال دارد. با توجه به این مسئله، مقامات ارشد اسکاتلند تلاش همه‌جانبه‌ای را برای باقی ماندن در اتحادیه اروپا در پیش گرفته‌اند. استورجن به عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی محلی اسکاتلند، بارها تأکید کرده که اجازه نخواهد داد بریتانیا، اسکاتلند را بر خلاف خواست‌اش از اتحادیه اروپا خارج کند. هر چند مردم بریتانیا در همه‌پرسی ۲۳ ژوئن به خروج از اتحادیه اروپا دادند اما اکثریت مردم اسکاتلند رأی به ماندن در اتحادیه اروپا دادند و این نشانه رویکرد مثبت آنها در زمینه آینده روابط اتحادیه اروپا و اسکاتلند است. به همین دلیل وزیر اول اسکاتلند در تلاش است کشورش را حتی به قیمت جدایی از بریتانیا، در اتحادیه اروپا حفظ کند.

استورجن در اواخر ژوئیه ۲۰۱۶ نیز هشدار داد در صورت تأمین نشدن منافع اسکاتلند، یکی از گزینه‌های پیش روی این منطقه، استقلال است. در واقع برگزیت سبب شده تا مقامات اسکاتلندی، گزینه‌های مختلف در زمینه روابط آینده اسکاتلند از اتحادیه اروپا و دیگر مناطق بریتانیا را مورد بررسی قرار دهند. تلاش دولت اسکاتلند در وهله نخست متمرکز بر باقی ماندن اسکاتلند در اتحادیه اروپا با وجود خروج بریتانیا از این اتحادیه است، ولی مقامات اتحادیه اروپا تاکنون نظر مثبتی در این زمینه نداشته‌اند اما اخیراً تغییراتی در این باره به وقوع پیوسته است. در عین حال روند اجرای برگزیت چند سال به طول خواهد انجامید. همین مرحله زمانی می‌تواند فرصت مناسبی را برای دولت محلی اسکاتلند برای تعیین تکلیف آینده این منطقه در قالب بریتانیا و نیز روابط آینده اسکاتلند با اتحادیه اروپا در اختیار آنها قرار دهد. با توجه به اینکه اسکاتلند جزئی از بریتانیاست، لذا اگر بریتانیا از اتحادیه اروپا خارج شود، به طور خودکار اسکاتلند نیز از این نهاد اروپایی خارج خواهد شد. تنها گزینه‌ای که می‌تواند این وضعیت را تغییر دهد، برگزاری مجدد همه‌پرسی جدایی اسکاتلند و رأی مثبت اسکاتلندی‌ها به آن است که در صورت قبول آن از جانب لندن، اسکاتلند به عنوان یک کشور مستقل خواهد توانست برای عضویت در اتحادیه اروپا و سپس در ناتو تلاش‌های خود را آغاز کند، با این همه تحقق استقلال اسکاتلند با مخالفت شدید لندن مواجه است.

دولت بریتانیا در پی تلاش‌های مکرر برای پیوستن اسکاتلند به اتحادیه اروپا، به درخواست‌های مکرر نیکلا استورجن وزیر اول اسکاوتلند پاسخ داده است. نیکلا استورجن در ۲۹ ژوئن ۲۰۱۶ اظهار داشت که معتقد است همه با این مسئله مخالف هستند و باور دارند اگر بریتانیا از اتحادیه اروپا خارج شود، اسکاوتلند هم به عنوان بخشی از آن باید همین کار را انجام دهد. فرانسوا اولاند، رئیس‌جمهور فرانسه نیز در همان هنگام تأکید کرد که اتحادیه اروپا با اسکاوتلند هیچ توافقی انجام نمی‌دهد. همچنین دونالد توسک رئیس شورای اروپا نیز از ملاقات با استورجن برای بحث در این باره خودداری کرد اما اکنون کمیسسیون اروپا به عنوان رکن اجرایی این اتحادیه آشکارا موافقت خود را با درخواست پیوستن اسکاوتلند به اتحادیه اروپا در صورت مستقل شدن آن از بریتانیا اعلام کرده است. شاید بتوان این موضع جدید را نوعی اقدام تلافی‌جویانه بروکسل در قبال اجرای برگزیت و جدایی بریتانیا از این اتحادیه تلقی کرد. بدین ترتیب کمسیون اروپا با اعلام این موضع باعث تقویت موضع هواداران جدایی اسکاوتلند از بریتانیا و افزایش احتمال موفقیت آنها در همه‌پرسی دوم جدایی اسکاوتلند از بریتانیا خواهد شد.

سالاانه ۶/۴ میلیارد دلار از هزینه پرداخت حقوق این رژیم برآن شده‌اند تا با افزایش مناسبات اقتصادی با کشورهای آسیایی، راه جبرانی برای فرار از فشارهای موجود و رهایی از بحران‌های خودساخته، بیابند. از سوی دیگر طرح جامع اصلاحات اقتصادی که از سوی محمد بن سلمان مطرح شده و قرار است تا سال ۲۰۳۰ میلادی اجرایی شود، نتوانسته است مرهمی بر مشکلات اقتصادی حال حاضر این کشور باشد، چه اینکه مفاد و روش اجرایی این طرح همچنان برای افکار عمومی این کشور در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. کاهش هزینه‌های دولتی و برداشتن یارانه کالاها و خدمات روزانه نظیر برق، آب و سوخت، کاهش پرداخت حقوق کارمندان (بر اساس برنامه کاهش



بر خورد محتاطانه امریکا با برق دلارهای عربستان

ماه عسل گذرای ترامپ با سعودی

■ **دکتر سیدنعمت‌الله عبدال حیم‌زاده**

محمد بن سلمان، وزیر دفاع و جانشین ولیعهد آل سعود روز سه‌شنبه ۱۴ مارس به همراه هیئت همراه خود در کاخ سفید با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا دیدار و گفت‌وگو کرد، هر چند این نوع دیدارها بین امریکایی‌ها و آل سعود به طور معمول بر گزار می‌شود و چیز جدیدی نیست اما همزمانی این اتفاق با سفر دوره‌ای پدر محمد بن سلمان یا شاه آل سعود به شرق آسیا و حضور یکی دو چهره کلیدی در تیم ترامپ باعث می‌شود تا دیدار بین این دو آن هم در مقطع فعلی و چه خاصی پیدا کند تا آنجا که طرف شاهزاده جوان و جاه‌طلب سعودی دیدارش با ترامپ را «قطعه عطفی در تاریخ روابط دو جانبه» توصیف یکنند. این توصیف می‌تواند به معنای شروع دوره جدیدی از روابط بسیار نزدیک بین دو طرف باشد تا آن حد که خواسته‌های مورد انتظار سعودی‌ها از امریکا در این دوره به طور کامل برآورده شوند یا اینکه برعکس، توصیف محمد بن سلمان تنها وجه تبلیغاتی داشته باشد و او بی‌دلیل و بیش از این نقطه عطف بگوید در حالی که آنچه بین او و ترامپ رد و بدل شده تنها وعده و وعیدهای لفظی بوده و

اطمینان به عملی شدن آنها نیست.

■ **ایران ستیزی**

هیچ شکی نیست که ایران ستیزی یکی از محورهای عمده این دیدار بوده و محمد بن سلمان به امید همراهی ترامپ با او در این محور به کاخ سفید رفته بود و نگفته پیداست که ناامید از کاخ سفید خارج نشده است. در واقع، سعودی‌ها و ترامپ با پیش از این هم در اتهام‌زنی علیه ایران و هم در مورد بر جام همدا بوده‌اند تا آنجا که گفته‌های هر دو طرف در هر دو زمینه به طور کامل یکسان بوده است و به همین جهت هم یکسانی لفظی در این دیدار قابل انتظار بود. در واقع، کشش ضدایرانی در زمان باراک اوباما، رئیس‌جمهور قبلی امریکا، چنان در لفاظی دیپلماتیک پیچیده شده بود که سعودی‌ها نمی‌توانستند اصل ضدید نهفته در آن با ایران را درک کنند اما بازی آشکار ترامپ علیه ایران آنقدر برای سعودی‌ها قابل فهم است که تصور اختلاف رفتار کاخ سفید نسبت به ایران را یکنند و این شاهزاده سعودی هم به مجله امریکایی تأییم بگوید: «پیش از این، امریکا و عربستان در برخی مسائل باهم اختلاف نظر داشتند ولی دیدار امروز همه چیز را به حالت عادی بازگرداند.» منظور بن سلمان از حالت عادی آن رابطه سابق بین دو طرف است که به تصور، از میزان نزدیکی آن در زمان اوباما کاسته شده بود و حالا با ورود ترامپ به کاخ سفید احیا شده اما از دید تحلیلگران این یک تصور صرف است و دلیلی قانع‌کننده در این زمینه دیده نمی‌شود. روزماری هولیس، استاد علوم سیاسی دانشگاه لندن در مصاحبه با نشریه روسی نیز اویسیم‌گازیتا قبول می‌کند که اظهارات تند ترامپ علیه ایران می‌تواند مورد تحسین ریاض باشد اما این به معنی تغییر گسترده‌ای در روابط دو کشور نیست و گریگوری گلس، کارشناس مسائل کشورهای حاشیه خلیج فارس در دانشگاهام‌ای‌اند‌ام نگزلس، همنظر با هولیس است که تعبیری در روابط دو طرف نمی‌بیند چون «تفاف اساسی از جانب امریکا برای نزدیکی به سمت عربستان مشاهده نشده است.» در واقع، ترامپ دست کم تا بخشی از لفاظی علیه ایران بسنده کرده اما در عمل احتیاط کامل را رعایت می‌کند چراکه با تمام بی‌تجربگی سیاسی، آن قدر ناآگاه نیست که با آتش بازی یکنند، این چیزی نیست که سعودی‌ها در عمل انتظارش را داشته باشند.

■ **جذابیت همکاری**

شاید سعودی‌ها متوجه وجه غالب در لفاظی‌های ترامپ شده‌اند که با پرونده‌های قطور اقتصادی سراغ او رفته‌اند. از اخبار منتشر شده پیداست که محمد بن سلمان در دو ساعت دیدارش با ترامپ بیشتر پرونده‌های اقتصادی را برای او باز کرده به خصوص در مورد طرح‌هایش تا ۲۰۳۰ که وعده قطع وابستگی عربستان به نفت تا آن زمان را داده است. طرح این پرونده‌ها در ملاقات بن سلمان با ترامپ در ظاهر برای جذب سرمایه امریکایی‌ها در طرح‌های اقتصادی سعودی‌ها و دادن فرصت‌هایی به شرکت‌های تجاری امریکا برای ورود به بازار عربستان بوده چنان که انگريد نائگار، کارشناس روابط امریکا و عربستان، ایجاد فرصت‌های شغلی از طریق سرمایه‌گذاری‌ها را برای ترامپ جذاب می‌داند تا او بتواند دست کم به جهت آماری مدعی کاهش آمار بیکاری در داخل و رشد کسب و کار امریکایی‌ها شود. وجه دیگر جذابیت همکاری بین دو طرف در فروش سلاح امریکایی به سعودی‌هاست که البته چیز تازه‌ای نیست و این نوع همکاری حتی در زمان اوباما و با وجود تمام دلخوری‌های سعودی‌ها از



او ادامه داشت تا آنجا که نامه تعدادی از نمایندگان کنگره به اوباما در مخالفت با فروش ۲۲ میلیون دلاری سلاح هم‌بی‌فایده بود. این جذابیت آنقدر هست که بی‌فایده بودن روابط با عربستان هم مانعی در جذابیت دلارهای نفتی سعودی‌ها برای امریکایی‌ها ایجاد نکند. استیو کوک، تحلیلگر شورای روابط خارجی امریکا یکی از این افراد است که در مقاله تحلیلی اخیر خود نوشت: «ریاض از نظر سیاسی شریک شایسته‌ای برای واشگتن نیست اما امریکایی نمی‌تواند از عواید کلان اقتصادی این شراکت صرف نظر کند. «این تحلیلگر برای توضیح بیشتر به فروش‌های سرسام‌آور سلاح امریکایی به سعودی‌ها اشاره می‌کند که در سال ۲۰۱۴ با بالغ بر ۳۰ میلیارد و ۲۲ میلیارد دلار سال بعد حتی بعد از تجاوز نظامی آل سعود بوده است. ترام بن سلمان هم پروژه‌های اقتصادی–تجاری و هم قراردادهای خرید تسلیحات را پیش روی ریوی حلال می‌گذارد تا از میزان لفاظی او کم و در عمل کاری کند که مورد نظر سعودی‌هاست به خصوص در زمینه ایران ستیزی که طی این مدت مبدل به اصل ثابت و اساسی در سیاست خارجی سعودی‌ها شده و آنها گمان کرده‌اند با این اصل است که می‌توانند در منطقه حرفی برای گفتن داشته باشند.

■ **واقعیت‌های همکاری**

شاید پروژه‌های اقتصادی–تجاری و قراردادهای خرید تسلیحات برای ترامپ جذابیت قابل توجهی داشته باشند، به خصوص اینکه او به جای سیاستمدار، تاجراتر است و سود و زیان مالی اصل مبنایی در تصمیم‌گیری‌های او است. علاوه بر این، حضور استیو پتن و جرد کوشنر در دیدار بن سلمان با ترامپ قابل توجه است چراکه از اولی به عنوان بافوق‌تر فرد پشت پرده در تیم ترامپ یاد می‌شود و دومی هم داماد ترامپ و کسی است که ترامپ او را برای نمایندگی‌اش در روند مذاکرات سازش بین رژیم صهیونیستی و فلسطینی‌ها در نظر گرفته است. حضور این دست افراد در جلسه دیدار بن سلمان با ترامپ گویای اهمیت آن است اما باز هم این دیدار نمی‌تواند متأثر از واقعیت‌هایی باشد که همین واقعیت‌ها در خاورمیانه تعیین‌کننده هستند تا دلارهای نفتی یا پروژه‌های آل سعود. همین واقعیت‌هاست که باعث شده تا ترامپ در سسوره احتیاط لازم را رعایت کند و به جای وعده‌های اولیه‌اش به رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، برای همکاری بیشتر، باز همان رویه قبلی دوران اوباما در مورد اتحاد با کردهای سوریه را ادامه بدهد و همین نیز موجب سرخوردگی اردوغان از او شد. همین احتیاط در مورد یمن هم دیده شد که ترامپ به جای افزایش چشمگیر همکاری با سعودی‌ها برای تجاوز نظامی به این کشور، بیشتر ترجیح داد حملات محدود و کنترل شده به اهداف القاعده را دنبال کند تا دستمایه تبلیغاتی با نام جنگ با القاعده داشته باشد. گذشته از این موارد، حرکت قایق‌های تندرو ایرانی به سمت شناور امریکا در روز شنبه چهارم مارس محک قابل توجهی برای تعیین رفتار ترامپ بود، او که در زمان کارزار انتخاباتی و در مورد نزدیک شدن قایق‌های ایرانی به شناورهای امریکایی خط و نشان‌های آن چنانی کشیده بود، در مورد این واقعه با احتیاط کامل رفتار کرد و هیچ واکنش منطقی با آن خط نشان کشیدن‌ها از سوی او دیده نشد. این نوع رفتار او در تضاد کامل با لفاظی‌هایی است که او علیه ایران بر زبان می‌آورد و سعودی‌ها از جمله محمد بن سلمان به آن دل‌خوش کرده‌اند. در واقع، این معنا که سعودی‌ها را شریک شایسته خود نمی‌داند و فقط چشم به می‌دهد که به واقعیت‌های موجود بی‌توجه نیست و هر چند بازیان تند و تیز رفتاری می‌کند اما در عمل به واقعیت‌های موجود توجه و بر اساس آن عمل می‌کند. می‌توان گفت که ترامپ بر اساس ارزیابی استیو کوک عمل می‌کند، به این معنا که سعودی‌ها را شریک شایسته خود نمی‌داند و فقط چشم به منافع اقتصادی و مالی از روابط با آنها دارد اما این منافع باعث نمی‌شود تا او خود را به هر آب و آتشی به خصوص در گیر شدن با ایران بزند بلکه در این مورد به واقعیت‌ها توجه می‌کند و احتیاط را در دستور کار خود قرار می‌دهد. این به معنای ماه عسل‌هایی کوتاه و گذرا بین ترامپ و سعودی‌هاست که بیشتر به کام ترامپ است تا سعودی‌ها.